

خطابه مبارک مؤرخه ۲ دسمبر دوشنبه ساعت دوازده در خانه مسیس کنی

این ایام ایام وداع است زیرا روز پنجم ماه میروم این اواخر ایام است من هر جا میرفتم مراجعت به نیویورک می کردم لهذا من چهار پنج مرتبه به نیویورک آمده ام دیگر حالا این دفعه بشرق میروم دیگر رجوع مشکل است مگر خدا مقدر نماید لهذا باید نصایح و وصای خود را بشما امروز بگویم

و آن تعالیم جمال بهاءالله است و آن اول این است که شماها باید با جمیع بشر در نهایت محبت و در نهایت الفت باشید خود را ممتاز از دیگران ندانید جمیع را با خود یکسان بدانید و جمیع را بندگان خدا بدانید و خدا را بجمیع مهربان بدانید از قلب جمیع را دوست داشته باشید با جمیع ادیان دوست باشید با جمیع اجناس دوست باشید و با جمیع اهل اوطان مهربان باشید ابدأ خود را امتیاز ندهید ابدأ هیچ ملتی را مذمتی نکنید از جمیع ستایش بکنید ابدأ نفسی در حقّ نفس دیگر لسان را نیالاید هر یک باید ستایش از دیگری بکند حتی از جمیع ملل ستایش بکند جمیع افراد بشر را ستایش کنید حتی دشمنانتان را دوست بدانید و بدخواه را خیرخواه بدانید نه اینکه بد را بد به بینید و مدارا بکنید و بدشمن مدارا بکنید این جائز نیست این تزویر است که انسان بدشمن خود مدارا بکند بلکه دشمن را دوست بدانید و بدخواه را خیرخواه شمرد و باقتضای آن معامله کنید کاری کنید که در قلبتان بغض احدی نباشد از نفسی دلگیر م باشید اگر از نفسی خطائی سر زند فوراً عفو کنید ابدأ نفسی را عتاب نکنید و اگر هم نصیحت می کنید نصیحت نوعی بکنید که بر او گران نیاید باری جمیع فکر شما این باشد که قلوب را مسرور کنید زنهار زنهار قلبی را مکدر کنید و هر یک از شما باید بقدر امکان بعالم انسانی خدمت کند سبب تسلی خاطر هر محزونی باشد و هر ناتوانی را معاونت نماید هر فقیری را معین باشد هر بیماری را پرستار باشد هر ذلیلی را سبب عزّت باشد هر خائفی را سبب امنیت باشد

مختصر این است هر یک از شما باید مانند چراغی باشد و انوار فضائل انسانی از او ساطع باشد امین باشد صادق باشد مهربان باشد عفیف باشد عصمت داشته باشد نورانی باشد روحانی باشد ربّانی باشد ملکوتی باشد الهی باشد بهائی باشد